

**Comparative Studies
in Jurisprudence,
Law, and Politics**

The Impact of Economic Variables in Monetary and Fiscal Policies on Goods and Currency Smuggling in Iran

1. Idres Azmoodeh: Ph.D Student in Criminal Law and Criminology, Department of Law, Islamic Azad University, Mar.C., Iran
2. Babak Pourghahramani*: Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Mar.C., Islamic Azad University, Maragheh, Iran. Email: B.pourghahramani@yahoo.com (Corresponding Author)
3. Jamal Beigi: Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Mar.C., Islamic Azad University, Maragheh, Iran

ABSTRACT

In recent decades, the increase in crimes related to goods and currency smuggling has been at the forefront of the agendas and policies of various countries. Unfortunately, most countries' approaches have focused on criminalization and harsher punishments to prevent and combat goods and currency smuggling, overlooking the significant role that economic programs and policies play in fostering smuggling activities. Goods and currency smuggling result from various factors, including economic, social, environmental, and political elements. However, as economic development, welfare, and employment depend on the economic policies adopted by countries, these policies directly influence the rate of crimes associated with goods and currency smuggling. Implementing dynamic and appropriate economic policies significantly affects growth and development, which in turn impacts the reduction or escalation of smuggling activities. The findings indicate that economic variables such as inflation, taxation, poverty, employment, interest rates, liquidity, and others influence the increase or decrease of domestic goods availability, purchasing power, and the inclination toward investment and production. Each of these variables contributes to the underlying causes of goods and currency smuggling in Iran. This study employs library research and utilizes printed and digital sources to examine the impact of economic variables in the domain of Iran's economic policies (monetary and fiscal) on crimes related to goods and currency smuggling in Iran.

Keywords: *Economic policies, fiscal policies, monetary policies, goods and currency smuggling, economic variables.*

How to cite: Azmoodeh, I., Pourghahramani, B., & Beigi, J. (2025). The Impact of Economic Variables in Monetary and Fiscal Policies on Goods and Currency Smuggling in Iran. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 7(2), 234-253.

© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 12 November 2024
Revise Date: 3 December 2024
Accept Date: 18 December 2024
Publish Date: 26 July 2025



پژوهش‌هاک تطبیقه فقه،

حقوق و سیاست

اثر گذاری متغیرهای اقتصادی حوزه سیاست‌های پولی و مالی بر قاچاق کالا و ارز در ایران

۱. ادریس آزموده: دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران
۲. بابک پورقهرمانی: دانشیار، گروه آموزشی حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران. پست الکترونیک: B.pourghahramani@yahoo.com (نویسنده مسئول)
۳. جمال بیگی: دانشیار، گروه آموزشی حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران

چکیده

در چند دهه اخیر افزایش جرائم قاچاق کالا و ارز در صدر برنامه‌ها و سیاست‌های کشورهای مختلف قرار گرفته است متأسفانه اقدام اغلب کشورها جرم‌انگاری و تشدید مجازات جهت پیشگیری و مبارزه با جرائم قاچاق کالا و ارز بوده غافل از اینکه برنامه و سیاست‌های اقتصادی نقش بسزایی در توسعه قاچاق کالا و ارز داشته است. قاچاق کالا و ارز محصول عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی، محیطی، سیاسی و... می‌باشد اما از آنجاکه توسعه اقتصادی، رفاه و اشتغال بستگی به سیاست‌های اقتصادی اتخاذی کشورها دارد و سیاست‌های اقتصادی بر نرخ جرائم قاچاق کالا و ارز تأثیر هستند اتخاذ سیاست‌های اقتصادی پویا و مناسب در رشد و توسعه و به تبع آن در کاهش و افزایش قاچاق کالا و ارز تأثیرگذار می‌باشند. نتایج بیانگر این است که متغیرهای اقتصادی از قبیل تورم، مالیات، فقر، اشتغال، نرخ بهره، نقدینگی و... باعث تأثیر در افزایش و کاهش کالاهای داخلی، افزایش و کاهش قدرت خرید مردم و تأثیر در تمایل به سرمایه‌گذاری و تولید می‌گردد که هر کدام از این متغیرها زمینه و علت ایجاد قاچاق کالا و ارز در ایران می‌باشند در این پژوهش با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و استفاده از منابع چاپی و دیجیتالی درصدد بررسی تأثیر متغیرهای اقتصادی حوزه سیاست‌های اقتصادی (سیاست‌های مالی و پولی) ایران بر جرائم قاچاق کالا و ارز در ایران هستیم.

واژگان کلیدی: سیاست‌های اقتصادی، سیاست‌های مالی، سیاست‌های پولی، قاچاق کالا و ارز، متغیرهای اقتصادی

نحوه استناددهی: آزموده، ادریس. پورقهرمانی، بابک. بیگی، جمال. (۱۴۰۴). اثر گذاری متغیرهای اقتصادی حوزه سیاست‌های پولی و مالی بر قاچاق کالا و ارز در ایران. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۷(۲)، ۲۳۴-۲۵۳.

© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۲۲ آبان ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۳ آذر ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۲۸ آذر ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۴ مرداد ۱۴۰۴



امروزه اقتصاد و مؤلفه‌های مربوط به آن عنصر ضروری برای بقاء بشریت و لازمه زیستن در جامعه است. از آنجائی که سیاست و اقتصاد ارتباط دوسویه با هم دارند و از هم تأثیر می‌پذیرند و بر رفتارهای اجتماعی تأثیرگذار هستند به نظر می‌رسد سیاست‌های اقتصادی به‌عنوان یک عامل به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم بر وقوع جرائم قاچاق کالا و ارز تأثیرگذار خواهند بود. ساختارهای سیاسی برای اداره کشور در حوزه‌های مختلف اقدام به ترسیم راهکارها و سیاست‌های می‌نمایند و برای انجام کارکردهای انصاف، عدالت و صلح اقدام به قانون‌گذاری، تدوین معیارهای لازم برای تنظیم امور اقتصادی، اجتماعی، توسعه اجتماعی و زیر بنایی در بخش‌های مادی می‌نمایند (Kordbacheh, 2018). که گاهای زمینه بزهکاری در جامعه هستند. با توجه به اینکه قاچاق کالا و ارز یکی از جرائمی است که ارتباط مستقیم و غیرمستقیم با اقتصاد دارد، سیاست‌های اقتصادی دولت و کشورها در افزایش و کاهش این جرائم تأثیرگذار خواهد بود و متغیرهای اقتصادی از قبیل تورم، نرخ ارز، سود بانکی، یارانه، بورس، درآمد سرانه، نقدینگی و... بر قاچاق کالا و ارز تأثیرگذار هستند.

خرده نظام اقتصاد به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر خرده نظام اجتماع و عنصر اساسی آن، یعنی انسجام رابطه دارد؛ بنابراین می‌توان بیان کرد اختلال در خرده نظام اقتصاد (تورم، نابرابری درآمدی، بیکاری و...) می‌تواند به اختلال در خرده نظام اجتماع (بی‌نظمی، کج‌روی و جرم) منجر گردد (Madah, 2011).

سابق بر موضوع تحت بررسی تحقیقات متعددی در خصوص سیاست‌های اقتصادی و تأثیر آن بر متغیرهای اقتصادی صورت پذیرفته است که شرح مختصر آنها ارائه می‌گردد.

دانشفر، قیوم زاده و عطار زاده در مقاله «قاچاق کالا و ارز و تاثیرات آن بر جامعه و نقش سازمان تعزیرات حکومتی در برخورد و پیشگیری از آن» تاثیر قاچاق کالا بر جامعه و نقش سازمان تعزیرات حکومتی در پیشگیری از قاچاق مورد بررسی قرار داده است (Daneshfar et al., 2020).

علمی در مقاله «سیاست‌های اقتصادی کلان و بازار کار زنان در ایران» بیان نموده است که رشد اقتصادی به توسعه ظرفیت‌های کلان اقتصادی منجر می‌شود اما میزان بیکاری را کاهش قابل توجهی نداده است افزایش میزان تورم زنان را به ورود به بازار کار تشویق می‌کند (Elmi, 2004).

امیری، پیرداده بیرانوند در مقاله «نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی و بازار سهام ایران با تکیه بر رویکرد تغییر رژیم مارکف» اثر نا اطمینانی سیاست‌های اقتصادی بر بازده بازار سهام با استفاده از مدل‌های خطی و غیر خطی طی دوره زمانی ۱۳۶۰-۱۳۵۹ بررسی شده است و متغیرهای نرخ تورم، نرخ بیکاری، نرخ سود، و نرخ رشد نقدینگی مورد بررسی قرار گرفته است و تاکید شده که نا اطمینانی در سیاست‌های اقتصادی موجب کاهش بازده بازار سهام می‌شود (Amiri & Pirdadeh Beiravand, 2019).

واعظ (۱۳۹۴) در مقاله «بررسی سفرهای زیارتی بر سیاست منطقه‌ای و روابط خارجی ایران با عراق» تأثیر هنجارها بر رفتارهای سیاسی گردشگران و کارکرد سفرهای زیارتی شیعیان ایرانی به عراق را بر سیاست منطقه‌ای و روابط ایران و عراق نوین بررسی نموده است. سفرهای زیارتی موجب همگرایی اسلامی و مرزهای جنگ را به مرزهای صلح تبدیل نموده است و با تحلیلی ساز انگار از سیاست و روابط ایران در قبال عراق نوین مبنی بر تقدم هنجار بر منافع صورت‌بندی شده است (Vaez, 2015).

کرمی پور (۱۳۹۳) در کتاب «پیشگیری از جرم در موافقت‌نامه‌های همکاری امنیتی ایران» موافقت‌نامه همکاری امنیتی کشور ایران با کشورهای همسایه مورد بررسی دقیق قرار داده است که همکاری‌ها بیشتر در خصوص پیشگیری از جرائم اقتصادی، قاچاق مواد مخدر، سلاح، کالا و اشیاء فرهنگی می‌باشد متأسفانه عراق علیرغم داشتن مرز وسیع با ایران در این موافقت‌نامه‌های همکاری مدنظر قرار نگرفته است (Karami, Pour, 2014).

جوادی ارجمند در کتاب «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» تأثیر جهانی شدن بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مدنظر قرار داده است و تأثیر جهانی شدن اقتصاد و لزوم توجه به اتخاذ رویکرد اقتصادی در سیاست‌گذاری خارجی اشاره شده است. ایران در دهه سوم انقلاب سیاست خارجی تنش‌زدایی در روابط خود با دیگر کشورها در پیش گرفت که در کاهش بحران‌ها و تنش‌های فی‌مابین ایران و کشورهای مختلف تأثیرگذار بوده است (Javadi Arjmand, 2010).

کلانتری در کتاب «عوامل ژئوپلیتیکی مؤثر بر راهبرد دفاعی ایران در تقابل با آمریکا از مبدأ سرزمینی عراق» عوامل ژئوپلیتیک مؤثر در راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران و عوامل ژئوپلیتیک در عراق مورد بررسی قرار داده است و اقتصاد نابسامان عراق به‌عنوان یک عامل مؤثر علیه امنیت کشور ایران مدنظر قرار گرفته است (Kalantari, 2019).

نیاز پور در کتاب «سیاست جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی» جرم اقتصادی را تعریف و مصادیق جرائم اقتصادی را مشخص و سیاست جنایی کشور در مقابل این جرائم را مورد بررسی و سازو کارهای مبارزه با فساد را نیز ارائه داده است (Niyazpour, 2018).

آل اسحاق در کتاب «راهنمای راهبرد تجاری منطقه‌ای با رویکرد توسعه و امنیت ایران» سیاست‌ها و راهبردهای تجاری ایران در منطقه را مورد بررسی قرار داده است و عراق به‌عنوان یک کشور منطقه‌ای و پتانسیل آن و چشم‌انداز پیوستن عراق به شورای همکاری خلیج فارس مورد بررسی قرار گرفته است و به‌صورت کلی مؤلفه‌های اثرگذار در پارادایسم امنیت ملی مورد بررسی قرار گرفته است (Al-Eshagh, 2012).

اسعدی در کتاب «جرائم سازمان‌یافته فراملی» جرائم سازمان‌یافته را تعریف و مصادیق جرائم سازمان‌یافته را مشخص نموده است. مصادیقی از قبیل قاچاق مواد مخدر و پول‌شویی مورد بررسی قرار گرفته است و قوانین بین‌المللی و اقدامات مؤثر بین‌المللی در راستای کاهش این جرائم مورد بررسی قرار گرفته است (Asadi, 2011).

ابوزید در کتاب «ایران و المشرق العربی (مواجهه ام-تعاون)» سیاست‌های ایران با کشورهای عربی مورد بررسی قرار گرفته است و در این خصوص علاوه بر مسائل امنیتی روابط اقتصادی ایران با کشورهای عربی مورد بررسی قرار گرفته است (Abou Zeid, 2018).

نقدی، گلی در کتاب «محشای قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز» علاوه بر قوانین، آیین‌نامه و موصوبه‌های مربوط به قاچاق کالا و ارز گردآوری شده است (Naghdi, 2013).

پس از بررسی ادبیات و سابقه تحقیق ملاحظه می‌گردد که هیچ‌کدام از محققین در تحقیقات خویش اثر سیاست‌های اقتصادی را بر قاچاق کالا و ارز مدنظر قرار نداده‌اند و به‌صورت کلی به تأثیر سیاست‌های اقتصادی بر متغیرهای اقتصادی از قبیل تورم، نقدینگی، نرخ ارز، یارانه، سود بانکی و... اشاره نموده‌اند نقطه ممیزه تحقیق پیش رو با تحقیقات صورت گرفته در بررسی تأثیر متقابل سیاست‌های اقتصادی ایران بر جرائم قاچاق کالا و ارز می‌باشد در این تحقیق سیاست‌های اقتصادی پولی و مالی مورد بررسی قرار گرفته است و تأثیر این سیاست‌ها بر قاچاق کالا و ارز مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

در این مقاله که درصدد پاسخگویی به این سؤال است که سیاست‌های اقتصادی پولی و مالی چه تأثیری بر جرائم قاچاق کالا و ارز دارند؟ سیاست‌های اقتصادی اعم از سیاست مالی، پولی، شناسایی و تفکیک و پس از مطالعه کتابخانه‌ای، نظر صاحب‌نظران اعم از اقتصاددانان و حقوق‌دانان و مسئولین ذی‌ربط اخذ و تجزیه و تحلیل نظری صورت پذیرفته است.

۱. مفاهیم و مصادیق مهم‌ترین سیاست‌های اقتصادی تأثیرگذار بر جرائم قاچاق کالا و ارز

در عوامل به وجود آورنده‌ی قاچاق سه دسته عوامل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی قابل‌بررسی است شواهد تجربی حکایت از آن دارد که هر چه درجه‌ی توسعه‌یافتگی کشور بیشتر باشد اندازه‌ی نسبی اقتصاد سیاه آن کشور کاهش می‌یابد (Schneider, 2005). هرچند سیاست‌ها، قوانین و مقررات تجاری در ایران با سایر کشورها کاملاً متفاوت است ولیکن اکثر کشورهای پیشرفته در عرصه تجارت بین‌الملل، اصلاح و تسهیل فرایندهای تجاری در کنار رقابت‌پذیر نمودن تولیدات صنعتی خود را سرلوحه اقدامات خود قرار داده‌اند. درحالی‌که در کشور ما عمدتاً اقدامات مبارزه با قاچاق کالا و ارز ناظر بر برخورد قضایی و پلیسی به‌منظور ارتقای توان کشف کالای قاچاق، تشکیل پرونده و اجرای احکام بوده و کمتر به جنبه‌های تجاری و اقتصادی پرداخته شده است (Zarei & Manteghi, 2019).

۱-۱- مفهوم سیاست‌های مالی و پولی

سیاست‌های مالی و پولی از مهم‌ترین اشکال دخالت دولت در مسیر اقتصاد کلان به شمار می‌روند و از طریق ابزارهای نظیر تغییر در هزینه‌های دولت و مالیات سعی می‌کند به اهداف معین اقتصادی نائل شود. هدف از سیاست‌های مالی و پولی برطرف ساختن تورم، رفع کساد، رسیدن به اشتغال کامل، رشد اقتصادی و افزایش درآمدهای دولتی و عرضه کل می‌باشد.

۱-۱-۱- مفهوم سیاست‌های پولی

سیاست پولی به سیاستی می‌گویند که می‌خواهد از طریق تغییر و کنترل در حجم پول و تغییر در سطح و ساختار نرخ بهره و یا سایر شرایط اعتبار و تسهیلات مالی به اهداف معین اقتصادی نائل می‌شود. سیاست پولی از مسیر نرخ‌های بهره بر قیمت‌داری‌ها اثر می‌گذارد و می‌تواند باعث ایجاد حباب‌های قیمتی شود (Khalili Araki & Goudarzi Farahani, 2013).

سیاست‌های پولی سیاست‌های است که توسط بانک مرکزی در جهت کنترل نقدینگی اعمال می‌شود. بانک سعی می‌کند از طریق اعمال این سیاست‌ها بر الگوی مصرف خانوار و تولید بنگاه‌ها و درنهایت بر تورم تأثیر بگذارد (Shafiei, 2017).

۱-۱-۲- مفهوم سیاست‌های مالی

مجموعه‌ی تدابیر و اقداماتی است که نظام مالی دولت‌ها از نظر درآمدها و هزینه‌ها به‌منظور دستیابی به اهداف اقتصادی مانند سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی و... تحت تأثیر قرار می‌دهند با استفاده از این سیاست دولت به متغیرهای کلان اقتصادی مثل سطح تولید، مصرف و سرمایه‌گذاری به سطح قیمت‌ها و نرخ بیکاری اثر گذاشته است و از طرف دیگر دولت از طریق مخارج خود و مالیات‌هایی می‌تواند حجم فعالیت‌های بخش دولتی و بخش خصوصی را در کل اقتصاد تبیین کند (Shafiei, 2017). سیاست‌های مالی شامل اقداماتی نظیر تغییر در هزینه‌های جاری و عمرانی دولت، تغییر در پرداخت‌های انتقالی و کمک‌های بلاعوض می‌باشد و به‌طور مستقیم در سطح خرد و کلان شرایط مالی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Kordbacheh, 2018). سیاست‌های که از طریق مالیات و مخارج دولت، تقاضای کل تغییر کند، سیاست مالی گفته می‌شود

(Nazari, 2012)

۱-۲- مصادیق سیاست‌های پولی

به‌طور عمده شامل اقداماتی نظیر تغییر در نرخ ذخیره قانونی، تغییر در پایه پولی و حجم پول، تغییر در شرایط اعطای تسهیلات مالی بانک‌ها به بخش خصوصی و تغییر در شرایط اعطای تسهیلات مالی بانک مرکزی به بانک‌ها است (Nazari, 2012).

۱-۲-۱. سیاست‌های پولی انبساطی

سیاست‌های پولی انبساطی به‌منظور مقابله با رکود و دستیابی به اشتغال کامل اتخاذ می‌شود و منجر به افزایش حجم پول می‌گردد که باعث کاهش نرخ بهره و افزایش تقاضای کل شده و وسیله‌ای برای نیل به اشتغال کامل است.

۱-۲-۲. سیاست‌های پولی انقباضی

سیاست‌های پولی انقباضی به‌منظور مقابله با تورم و فشار قیمت‌ها اتخاذ می‌شود و منجر به کاهش حجم پول می‌شود. کاهش حجم پول از طریق کاهش تقاضای معاملاتی، درآمد ملی و اشتغال را کاهش داده و جلوی فشارهای تورمی را سد می‌کند (Shafiei, 2017). سیاست پولی انقباضی به‌منظور جلوگیری از فشارهای تورمی در جامعه با استفاده از افزایش نسبت ذخیره قانونی اعمال گردیده است (Kamiarji & Bayat, 2014; Kamiarji et al., 2012).

۱-۳-۱. مصادیق سیاست‌های مالی

سیاست مالی شامل اقداماتی نظیر تغییر در هزینه‌های جاری و عمرانی دولت، تغییر در پرداخت‌های انتقالی و کمک‌های بلاعوض می‌باشد.

۱-۳-۱. سیاست‌های مالی انبساطی

عبارت است از افزایش مخارج دولت و کاهش مالیات‌ها به‌منظور بسط فعالیت اقتصادی و رفع شکاف انقباضی است که در شرایط عدم اشتغال کامل و کساد بازار و اقتصاد انتخاب می‌شود. در سیاست‌های مالی انبساطی دولت بیشتر روی ابزاری که در جهت هزینه‌ها در اختیار دارند تمرکز می‌کند یکی از این ابزارها سرمایه‌گذاری دولتی مثل عملیات عمرانی و تولیدی است که به‌مراتب بیش از ابزارهای مالیاتی می‌تواند دولت‌ها را در اجرای این سیاست‌ها کمک کند و به نتیجه مطلوب برساند یعنی رفع رکود در فعالیت‌های اقتصادی سیاست‌های پولی و مالی هر دو طرف تقاضا را تحت تأثیر قرار داده به همین دلیل به آن‌ها سیاست طرف تقاضا می‌گویند (Shafiei, 2017). این سیاست به‌منظور مقابله با رکود و دستیابی به اشتغال کامل اتخاذ می‌شود و منجر به افزایش حجم پول می‌گردد که باعث کاهش نرخ بهره و افزایش تقاضای کل شده و وسیله‌ای برای نیل به اشتغال کامل است (Shafiei, 2017).

۱-۳-۲. سیاست‌های مالی انقباضی

دولت برای پیشگیری و یا تضعیف فشار تورمی دست به اتخاذ این سیاست می‌زند یعنی این سیاست در هنگام وجود تورم استفاده می‌شود سیاست مالی انقباضی در دو جهت اجرا می‌شود از لحاظ درآمدها و از لحاظ هزینه‌ها (Shafiei, 2017). این سیاست در شرایط پراشتغالی و تورم ناشی از بهره‌برداری اضافی از منابع تولید انتخاب می‌شود و سیاست مناسبی جهت کاهش فشار تقاضا و تورم و یا رفع شکاف تورمی از طریق افزایش مالیات‌ها و کاهش مخارج دولتی به شمار می‌رود (Shafiei, 2017). این سیاست به‌منظور مقابله با تورم و فشار قیمت‌ها اتخاذ می‌شود و منجر به کاهش حجم پول می‌شود، کاهش حجم پول از طریق کاهش تقاضای معاملاتی، درآمد ملی و اشتغال را کاهش داده و جلوی فشارهای تورمی را سد می‌کند (Kamiarji et al., 2012).

۲. اثرگذاری سیاست‌های اقتصادی ایران بر قاچاق کالا و ارز در کشور

۱-۲. تأثیر سیاست‌های اقتصادی ایران بر افزایش یا کاهش قیمت کالاهای داخلی

بر اساس اطلاعات موجود از سال-های قبل از انقلاب تا به امروز تغییر سطح عمومی قیمت-ها نوسانات بسیاری داشته است که متأثر از عوامل داخلی و خارجی بوده از مهم-ترین عوامل داخلی تورم، افزایش بدون ضابطه حجم نقدینگی به دلیل تأمین کسری بودجه و پولی کردن بدهی دولت بوده است (Hadian & Heydarpoor, 1999).

صادرات علاوه بر نرخ ارز، تابعی مستقیم از سطح تولید کل و تابع معکوسی از سطح عمومی قیمت-ها می-باشد (Egert & Zumaquero, 2005). در ادبیات اقتصادی، افزایش در قیمت-های داخلی، افزایش در ارزش پول داخلی (کاهش نرخ ارز) صادرات واقعی را کاهش می-دهد (مؤثر در افزایش).

در مورد رابطه نرخ ارز با صادرات غیرنفتی باید گفت که چنانچه نرخ ارز افزایش یابد، انتظار بر این است که به دلیل کاهش قیمت کالاهای داخلی نسبت به کالاهای مشابه خارجی میزان صادرات افزایش یابد (Yavari et al., 2011).

کاهش نسبت شاخص قیمت داخلی صادرات غیرنفتی به شاخص قیمت جهانی صادرات غیرنفتی موجب افزایش صادرات غیرنفتی می-شود (Yavari et al., 2011).

پرداخت یارانه صادرات، موجب ارزان-تر شدن کالاهای داخلی برای خارجیان و گسترش صادرات کشور خواهد شد به طور کلی تعرفه بر واردات و یارانه بر صادرات موجب کاهش و یا افزایش صادرات و واردات می-شود.

محدودیت تجاری دیگر که امروزه توسط کشورهای درحال توسعه دائماً مورداستفاده قرار می-گیرد سپرده یا پیمان ارزی است که این محدودیت موجب افزایش قیمت کالاهای وارداتی می-شود زیرا واریز مبلغی معادل ارزش واردات، بدون آنکه بهره-ای به آن تعلق گیرد هزینه-ای است که واردکننده متحمل می-شود (هزینه فرصت) و موجب دلسردی واردکنندگان و کاهش فعالیت آنان خواهد شد (Arya, 2013).

امروزه بسیاری از کشورهای درحال توسعه از نظام چند نرخ ارز استفاده می-کنند، نرخ-های ارز اعمال شده برای واردات کالاهای لوکس بیشتر و برای ورود کالاهای ضروری و اساسی کمتر است. نرخ ارز بالاتر برای کالاهای لوکس و غیرضروری موجب می-شود تا قیمت کالاهای خارجی برای مصرف-کنندگان داخلی گران-تر از قیمت محصولات داخلی مشابه شده و به دنبال آن واردات کاهش می-یابد درحالی که نرخ-های کمتر ارز که برای واردات کالاهای اساسی اعمال می-شود (نظیر تجهیزات سرمایه-ای) باعث می-شود تا قیمت این کالاها برای خریداران داخلی ارزان-تر از قیمت کالاهای داخلی نشده و لذا واردات افزایش می-یابد. در هر صورت اعمال نظام چند نرخ ارز باعث گسترش بازار سیاه ارز، انتقال قیمت به معنای تغییر قیمت کالا در برگ پیش فروش به صورت قسمت بیشتر یا قیمت کمتر از قیمت واقعی، جهت کسب سود و اختلال در بازار می-شود (Arya, 2013).

تضعیف ارزش پول، وضع تعرفه بر واردات یا سهمیه-بندی و نرخ-های چندگانه ارز، باعث افزایش قیمت داخلی کالاهای تجاری بین-المللی می-شود. قیمت کالاهای غیرتجاری نیز معمولاً به علت جانشینی مصرف و تولید کالاهای تجاری و غیرتجاری افزایش می-یابد (Arya, 2013).

مهم ترین هدف بانک مرکزی در کاهش ارزش پول داخلی رهایی از فشاری است که بازار برای تغییر نرخ ارز ایجاد کرده است علاوه بر این کاهش ارزش پول داخلی مقامات پولی موفق خواهند شد تا حد زیادی از سوداگری ارزی جلوگیری به عمل آورند چراکه وقتی ارزش یک

واحد پولی در برابر دیگر پول‌های خارجی کاهش می‌یابد سرمایه‌گذاری در این واحد پولی برای سوداگران جذاب می‌شود. در نتیجه افزایش ورود سرمایه موجب بهبود موقعیت بازار خواهد شد.

بانک مرکزی با کاهش ارزش پول انتظار دارد با کاهش قیمت کالا و خدمات صادراتی میزان صادرات این کشور افزایش یابد و به خاطر گران شدن کالا و خدمات وارداتی از میزان واردات کاسته می‌شود.

افزایش ارزش پول داخلی گامی خواهد بود در جهت تثبیت تعادل در بازار ارز، زیرا تمایل به خروج سرمایه از کشور را افزایش می‌دهد بیشتر شدن قدرت خرید میل به سرمایه‌گذاری در خارج را بالاتر می‌برد اثر بلند مدت افزایش ارزش پول داخلی در مقابل ارزهای خارجی مربوط می‌شود به تغییر قیمت کالاها و خدمات صادراتی و وارداتی به طوری که صادرات کاهش و واردات افزایش می‌یابد و در نهایت باعث کاهش مازاد تراز بازرگانی می‌شود (Arya, 2013).

اگر بانک مرکزی اقدام به انجام یک سیاست پولی انبساطی نماید و به عنوان مثال عرضه اسمی پول را افزایش دهد با افزایش حجم پول عرضه واقعی پول افزایش می‌یابد و در نتیجه نرخ بهره کاهش و سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد و در نتیجه افزایش سرمایه‌گذاری تقاضای کل افزایش می‌یابد این مازاد تقاضا باعث فشار بر قیمت‌ها شده و قیمت‌ها شروع به افزایش می‌یابد (Shafiei, 2017).

یارانه مبلغی است که دولت می‌پردازد تا تمام اقشار جامعه از حداقل امکانات رفاهی استفاده نمایند به این ترتیب هدف از پرداخت یارانه انرژی، کمک به اقشار کم‌درآمد جامعه برای تحقق عدالت اجتماعی است اما برخلاف تعریف فوق، با پرداخت یارانه به صورت غیرمستقیم (ارائه انرژی به قیمتی پایین‌تر از قیمت تمام‌شده) یارانه برعکس عمل می‌کند چراکه ضریب استفاده اقشار بر درآمد از انرژی بسیار بالاتر از اقشار کم‌درآمد است. تغییر قیمت انرژی منجر به اثرات شدید در بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور خواهد شد و به نرخ تورم، فشار اقتصادی بر اقشار کم‌درآمد، مصرف سرانه انرژی و قاچاق انرژی تأثیرگذار خواهد بود (Ghaderi et al., 2005).

با توجه به پایین بودن قیمت انرژی در ایران مصرف آن به شدت افزایش یافته است در حالی که به دلیل محدودیت انرژی‌های فسیلی، قیمت آن در سطح جهانی افزایش یافته است. دولت هم برای پوشش شکاف بین قیمت تمام‌شده و قیمت فروش انرژی به مصرف‌کنندگان هزینه بسیار زیادی به عنوان یارانه انرژی می‌پردازد که این امر موجب بروز مشکلاتی مثل کسری بودجه و طولانی شدن مدت پروژه‌های عمرانی شده است.

از آنجایی که دو نوع روش برای پرداخت یارانه انرژی وجود دارد در روش غیرمستقیم فعلی پرداخت یارانه انرژی (ارائه انرژی به قیمتی پایین‌تر از قیمت تمام‌شده) تمام اقشار جامعه می‌توانند از یارانه انرژی بهره‌مند شوند اما در روش مستقیم مبلغ یارانه انرژی به طور مستقیم به اقشار کم‌درآمد جامعه پرداخت می‌شود و در عوض انرژی با قیمت واقعی عرضه می‌گردد.

۱-۲-۱. تأثیر سیاست‌های اقتصادی ایران بر افزایش یا کاهش نرخ ارز

مهم‌ترین عاملی که تراز پرداخت‌های یک کشور را از حالت تعادل خارج می‌سازد، کسری تراز بازرگانی است یعنی کشورهای که همواره ارزش واردات کالا و خدمات آن‌ها بیش از صادرات کالا به خارج است با مشکل عدم تعادل تراز پرداخت‌ها روبرو می‌شوند برای خرید کالاهای وارداتی پولی (ارزی) مورد نیاز است که باید از خارج وارد کرد و نمی‌توان آن را در داخل تولید کرد (Arya, 2013).

مکانیسم تعدیل خودکار تحت نظام شناور ارزی

در روش اصلاح کسری تراز پرداخت-های یک کشور به وسیله کاهش ارزش پول ملی یا تضعیف ارزش پول داخلی، سیستم و سیاست ارزی آن کشور دلالت بر اصول نظام شناور ارزی دارد. تضعیف ارزش پول داخلی عبارت است از افزایش عمدی ارزش نرخ ارز توسط مقامات پولی یک کشور از یک سطح ثابت به سطح ثابت دیگر به عنوان مثال با کاهش نرخ ارز در بازار ارز آمریکا به میزان ۲۰ درصد نرخ پوند افزایش می-یابد و با افزایش ارزش پوند مقدار عرضه از ۸ به ۱۰ میلیون افزایش می-یابد و از سوی دیگر مقدار تقاضا برای خرید پوند از ۱۲ به ۱۰ میلیون پوند کاهش می-یابد و تراز پرداخت-ها در تعادل قرار می-گیرد. در این شرایط نیاز به ارز کاهش پیدا می-کند و قاچاق ارز کنترل می-شود.

نرخ ارز یکی از شاخص-های کلان اقتصادی یک کشور می-باشد و این شاخص در مقابل تحولات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی یک کشور بسیار حساس عمل می-کند (Arya, 2013).

گران شدن قیمت کالاهای وارداتی باعث می-شود تقاضای خرید کالاهای خارجی کاهش پیدا کند هنگامی شیب منحنی عرضه ارز مثبت است (کشش-پذیر) تغییر نرخ ارز باعث تغییر دیگر شاخص-های اقتصادی (مانند صادرات و واردات) می-شود. با افزایش نرخ ارز ما شاهد افزایش حجم صادرات هستیم که این امر منجر به افزایش درآمد ملی کشور آمریکا می-گردد. با کاهش مداوم ارزش پول داخلی قیمت کالاهای وارداتی سریع-تر از قیمت کالاهای صادراتی افزایش می-یابد و منجر به افزایش هزینه-های تولید و در نتیجه گران شدن قیمت کالاهای داخلی می-گردد کاهش صادرات بر روی سطح تولید آثار منفی بجای گذاشته و اقتصاد با حالت رکود توری روبرو می-شود.

به عنوان مثال در رابطه بازرگانی آمریکا و انگلیس کاهش ارزش دلار یا تضعیف آن از سوی مقامات پولی آثار بسیار مهمی روی قیمت-های دلاری خواهد داشت به عبارت دیگر کاهش ارزش دلار یا تضعیف آن موجب تقویت و تشویق تولید کالاهای جانشین واردات و کالاهای صادراتی آمریکا شده و نهایتاً افزایش قیمت-های داخلی را به دنبال دارد. افزایش در قیمت دلاری کالاهای جانشین واردات و کالاهای صادراتی آمریکا لازمه تشویق تولیدکنندگان آمریکا برای انتقال منابع اولیه از تولید کالاهای غیرقابل تجارت یا کالاهای کاملاً داخلی به تولیدات کالاهای جانشین واردات و کالاهای صادراتی است ولی با کاهش ارزش تضعیف دلار مزیت قیمتی آمریکا کاهش می-یابد (Arya, 2013). کاهش ارزش پول ملی از یک طرف منجر به گسترش صادرات (اثر مثبت) و کاهش واردات شده (اثر مثبت) و در نتیجه بهبود تراز بازرگانی را به همراه خواهد داشت، کاهش ارزش پول ملی از طرف دیگر باعث افزایش هزینه-های داخلی (نرخ تورم) شده که به دنبال افزایش این هزینه-ها، واردات افزایش پیدا می-کند. افزایش ارزش پول ملی منجر به کاهش صادرات کالاهای داخلی (اثر منفی) و افزایش واردات کالاهای خارجی (اثر منفی) می-شود (Arya, 2013).

کانال ارتباطی بین بازار مالی کشورها بازار ارز می-باشد. ارز به پول-های رایج خارجی اطلاق می-گردد که از دیدگاه یک شهروند می-توان آن‌ها را بر اساس پول داخلی تعریف کرد. نرخ ارز رابطه تبدیل پول داخلی به پول خارجی را بیان می-کند (Arya, 2013).

در سیستم بانکی ایران طبق بندهای الف و ز ماده ۷ قانون پولی و بانکی کشور مصوب تیرماه ۱۳۵۱ هجری شمسی کلیه ارزها قابل معادله نمی-باشند بر اساس این قانون ارزها به دودسته تقسیم می-شوند:

ارز قابل معامله

ارز غیرقابل معامله

ارز قابل معامله به ارزی گفته می‌شود که خرید و فروش آن در سیستم بانکی کشور مجاز می‌باشد در صورتی که بانک مرکزی ایران خرید و فروش ارزی را برای سیستم بانکی منع کند به چنین ارزی، ارز غیر قابل معامله می‌گویند (Arya, 2013).

۲-۱-۲. تأثیر سیاست‌های اقتصادی ایران بر افزایش یا کاهش نقدینگی

تعدیل پولی عبارت است از تغییر در عرضه پول یک کشور است. وقتی نرخ ارز کاملاً شناور است کسری تراز از پرداخت‌ها موجب کاهش عرضه پول یک کشور می‌شود زیرا با مبادله پول داخلی با ارز در بانک مرکزی آن کشور، مازاد تقاضا برای پول خارجی به وجود می‌آید. تحت نظام بانکداری با ذخایر اندک، کاهش ذخایر ارزی موجب کاهش عرضه پول با کسری چند برابر تراز تجاری همراه خواهد بود. در صورت اعمال سیاست‌های خنثی‌سازی یا عقیم‌سازی از سوی مقامات پولی یک کشور کاهش عرضه پول موجب افزایش نرخ بهره در کشوری خواهد بود که با کسری تجاری مواجه است. افزایش نرخ بهره در کشوری که دارای کسری تجاری است اقتصاد این کشور را از دو طریق تحت تأثیر قرار خواهد داد.

با افزایش نرخ بهره بانکی، سرمایه‌گذاری داخلی کاهش یافته و به دنبال آن درآمد ملی کاهش پیدا خواهد کرد، کاهش درآمد ملی از آنجاکه منجر به کاهش واردات می‌شود، کسری تجاری بهبود می‌یابد (اثر مثبت).

افزایش در نرخ بهره موجب جذب سرمایه‌های خارجی شده و لذا کشور می‌تواند به رفع کسری مالی خود بپردازد (Arya, 2013).

از جمله عامل‌های که باعث افزایش حجم پول می‌شوند، کسری بودجه دولت است. استقراض دولت از بانک مرکزی عامل اصلی افزایش پایه پولی و نقدینگی بوده است. کسری بودجه عبارت است از تفاوت کل پرداخت‌های دولت از کل درآمدهای عمومی دولت (Kamiarji & Bayat, 2014).

بر اساس ماده ۱۴ قانون پولی و بانکی کشور، بانک مرکزی می‌تواند در امور پولی و بانکی دخالت و نظارت‌های داشته باشد که از جمله مفاد آن محدود کردن بانک‌ها، تعیین نحوه مصرف وجوه سپرده‌ها و تعیین حداکثر مجموع وام‌ها و اعتبارات در رشته‌های مختلف است. انتشار اوراق قرضه موجبات کاهش رشد نقدینگی را فراهم می‌سازد. در واقع سیاست‌گذار پولی را قادر می‌نماید تا در مواقع لزوم از طریق کنترل نقدینگی، دستیابی به نرخ تورم پایین را مسیر سازد. با اجرای طرح سپرده ویژه بانک‌ها نزد بانک مرکزی که در سال ۷۷ به تصویب شورای پول و اعتبار رسید. سیاست‌های پولی مناسب جهت کنترل و مهار نقدینگی از طریق جذب منابع مازاد بانک‌ها بوده است (Shafiei, 2017).

۲-۱-۳. تأثیر سیاست‌های اقتصادی ایران بر افزایش یا کاهش تورم

افزایش کمتر هزینه‌های داخلی منجر به بیکاری می‌شود. در عین حال که افزایش بیشتر از حد هزینه‌های داخلی باعث بروز مازاد تقاضای کل و تورم ناشی از فشار تقاضا خواهد بود.

کاهش ارزش پول ملی باعث افزایش هزینه‌های داخلی (نرخ تورم) شده که به دنبال افزایش این هزینه‌ها، واردات نیز افزایش می‌یابد (Arya, 2013).

منبع عمده تأمین کسری بودجه، استقراض داخلی بوده و عملکرد ۱۰۰ درصد سیستم بانکی برای وام-دهی تورم شدید را به همراه خواهد داشت از این رو، به منظور مهار تورم محدودیت در جهت تفویض اعتبارات بانکی همواره مدنظر سیاست-گذاران قرار داشته است. (بررسی تحولات اقتصادی کشور بعد از انقلاب، بانک مرکزی جمهوری اسلامی، اداره بررسی-های اقتصادی، ص ۳۹۴).^۱

عدم توانایی بانک مرکزی در کنترل عرضه پول، به تورم در اقتصاد می-افزاید. نرخ تورم بالاتر باعث افزایش بیشتر کسری بودجه دولت می-گردد. کسری بودجه از طریق تأثیر در پایه پولی می-تواند افزایش حجم پول و تورم را به دنبال داشته باشد.^۲ اقتصاددانان زیادی به ارتباط دوطرفه علت و معلولی، بین حجم پول و تورم معتقد می-باشند زیرا نه تنها افزایش حجم پول باعث بروز تورم می-گردد، بلکه تورم خود باعث گسترش کسری مالی دولت خواهد

شد زیرا با وقوع تورم، درآمدهای دولت با تأخیر وصول می-شوند و درآمدهای دولت نسبت به هزینه-های آن از روند رو به رشد و کندتری برخوردار است.^۳

سیاست-های مالی و پولی انبساطی باعث افزایش تقاضای کل شده و در نتیجه باعث تورم می-شود. افزایش هزینه-های تولید باعث کاهش عرضه کل اقتصاد می-گردد و به تورم منجر می-گردد.

به افزایش سطح عمومی قیمت-ها تورم گفته می-شود. تورم وضعیت کسانی را که درآمدهای ثابتی دارند را بدتر می-کند زیرا درآمد حقیقی آن‌ها، پایین می-آید، یا اگر افزایش درآمد کمتر از افزایش قیمت-ها باشد، وضعیت افراد بدتر می-شود تورم اگر ملایم باشد به تولید کمک می-کند زیرا انجام هزینه-ها زودتر از درآمدهای می-باشد، بنابراین در دوران تورم، هزینه-ها کمتر از درآمدها بالاتر می-رود اگر تورم شدید باشد به علت اینکه افراد به سرمایه-گذاری-های بلند مدت روی نمی-آورد و به کارهای زودبازده می-پردازند، تورم به تولید لطمه می-زند (نظری، اثرات غیرخطی تورم به رشد اقتصادی در ایران، اکبر کمیاجی، سعید بیات).

افزایش متوسط تورم تا سطح معینی (که آن را سطح آستانه می-نامیم) می-تواند منجر به رشد اقتصادی گردد ولی با عبور متوسط نرخ تورم از این سطح اثرات منفی تورم ظاهر گشته و رشد اقتصادی را کاهش می-دهد لذا سیاست-گذاران باید به فکر اعمال سیاست-های جهت کاهش نرخ تورم باشند. هر رویداد یا اقدام سیاستی که منجر به افزایش تورم در سطحی فراتر از سطح آستانه گردد نرخ رشد اقتصادی را کاهش می-دهد به طور مثال شوک-های نفتی و اجرای سیاست هدفمندی یارانه-ها تورمزا است.^۴

همچنین مطالعات گوناگون تئوریک و تجربی گویای افزایش تورم پس از افزایش قیمت حامل-های انرژی است. بر این اساس می-توان گفت عدم اتخاذ رویکردهای عالمانه و سنجیده در رابطه با شوک-های نفتی و یا عدم اجرای صحیح سیاست-های مدرن هدفمندی یارانه-ها رشد اقتصادی در کشور به شدت آسیب می-بیند؛ که این تأثیر منفی، خود می-تواند اثرات مخربی روی استانداردهای زندگی در کشور داشته باشد. لذا دولت می-بایست به منظور جلوگیری از تورم ناشی از شوک-های نفتی، با دادن اهمیت بیشتر به ساز و کارهای تثبیتی مانند حساب ذخیره ارزی ارتباط هزینه-های با تکانه-هایی نفتی قطع نماید. همچنین دولت می-تواند با اتخاذ سیاست-های حمایتی از جمله اعطای تسهیلات کم-بهره به تولید و کمک به تجهیز بنگاه-ها با فن-آوری-های بهتر از یک طرف و از طرف دیگر اعمال سیاست-های پولی و مالی

^۱ اکبر کمیاجی، «سیاست‌های پولی مناسب در جهت تثبیت فعالیت‌های اقتصادی». معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارائی (۱۳۷۱).

^۲ کمیاجی، پیشین، ۱۱.

^۳ 27 Aghevli, B., & Khan, M., 'Government Deficits and the inflationary process in Developing countries: staffpapers', september (1978). 383- 414.

^۴ کمیاجی، پیشین، ۵.

مناسب هم‌زمان با اجرای سیاست‌های چون هدفمندی، از آثار تورمی و در نتیجه تخریبی این پدیده‌ها به رشد اقتصادی جلوگیری به عمل آورد (همان).

تأثیر یارانه بر تورم: در صورتی که یارانه به صورت مستقیم پرداخت شود در کوتاه‌مدت دارای اثرات شدید تورمی می‌باشد. پرداخت یارانه از سه طریق موجب افزایش تورم می‌گردد.

* افزایش مستقیم قیمت کالاهای مضمول یارانه

** افزایش غیرمستقیم قیمت سایر کالاها

*** افزایش نقدینگی

تأثیر یارانه بر قاچاق سوخت به دلیل اختلاف قیمت فرآورده‌های نفتی در داخل کشور با کشورهای همسایه، در چند سال اخیر پدیده قاچاق سوخت رواج پیدا کرده است با توجه به اینکه حداکثر ظرفیت باک خودروها ممکن است چند صد لیتر باشد، لذا به دلیل حجم کم سوختی که به وسیله یک خودرو از کشور خارج می‌شود به این مسئله توجه نشده است در صورتی که نرخ بالای خروج خودروها به خارج از کشور در سطح کلان هزینه‌های بالایی را منجر شده است.

یکی از سیاست‌های اتخاذ شده در سه برنامه توسعه تقویت پول ملی، کاهش رشد نقدینگی و مهار تورم بوده است. بر اساس اطلاعات موجود از قبل از انقلاب تا به امروز تغییر سطح عمومی قیمت‌ها نوسانات بسیاری داشته است که متأثر از عوامل داخلی و خارجی است از مهمترین عوامل داخلی تورم، افزایش بدون ضابطه حجم نقدینگی به دلیل تامین کسری بودجه و پولی کردن بدهی دولت بوده است (Elmi, 2004).

۲-۱-۴. تأثیر سیاست‌های اقتصادی ایران بر افزایش یا کاهش نرخ بهره

سیاست پولی در دست بانک مرکزی است که با تنظیم حجم پول مانع از افزایش بیش از حد نرخ بهره شود (Shafiei, 2017). سیاست پولی با استفاده از ابزارهای نرخ ذخایر قانونی، عملیات بازار باز نرخ تنزیل مجدد می‌تواند بر عرضه پول و در نهایت در نرخ بهره تأثیر بگذارد هدف اصلی سیاست پولی، کنترل ارزی پول و تنظیم رابطه بین پول، تولید و تورم است (Shafiei, 2017).

در کشور ایران با اجرای دو طرح کنترل نرخ سود بانکی و سقف اعتباری سعی در کنترل نرخ بهره و نقدینگی می‌شود.

کنترل نرخ‌های سود بانکی: با اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا و معرفی عقود با بازدهی ثابت و مشارکتی، ضوابط تعیین سود یا نرخ بازده مورد انتظار ناشی از تسهیلات اعطایی بانک‌ها و حداقل و حداکثر سود یا بازده مورد انتظار بر طبق ماده ۲ آیین‌نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا بر عهده شورای پول و اعتبار می‌باشد. همچنین بر طبق ماده ۳ آیین‌نامه فصل چهارم قانون مذکور بانک مرکزی می‌تواند در تعیین حداقل نرخ سود احتمالی برای انتخاب طرح‌های سرمایه‌گذاری و یا مشارکت و نیز تعیین حداقل یا عنداللزوم حداکثر نرخ سود مورد انتظار و یا نرخ بازده احتمالی برای سایر انواع تسهیلات اعطای بانک دخالت نماید (Shafiei, 2017).

در تئوری‌های اقتصادی، سرمایه‌گذاری با نرخ بهره رابطه معکوس دارد، یعنی کاهش نرخ بهره، باعث افزایش سرمایه‌گذاری می‌شود و افزایش سرمایه‌گذاری باعث افزایش درآمد ملی می‌شود زیرا افزایش سرمایه‌گذاری باعث افزایش تقاضای کل می‌شود، افزایش تقاضای کل باعث افزایش تولید و درآمد ملی خواهد شد (Nazari, 2012).

۲-۱-۵. تأثیر سیاست‌های اقتصادی ایران بر افزایش یا کاهش اشتغال

سیاستهای مالی و پولی بر افزایش یا کاهش سطح عمومی قیمتها اثر گذار است. وقتی قیمتها افزایش مییابد، از آنجایی که تولیدکننده توهم پولی ندارد، متوجه افزایش قیمت میشود و برای افزایش سود اقدام به افزایش تولید میکند که برای افزایش تولید نیاز به نیروی کار بیشتر دارد در نتیجه تقاضای نیروی کار افزایش مییابد.

در دیدگاه کلاسیک توهم پولی وجود ندارد، افزایش قیمتها تنها منجر به افزایش دستمزد رسمی می شود پس اشتغال بدون تغییر باقی میماند و تولید و عرضه کل بدون تغییر باقی میماند. وقتی قیمتها افزایش مییابد از آنجایی که تولیدکننده توهم پولی ندارد اقدام به افزایش تولید می کند و افزایش تولید نیاز به نیروی کار بیشتری دارد (Shafiei, 2017).

کنز معتقد بود اگر دولت سیاست انبساطی اتخاذ کند قیمتها افزایش مییابند، تولیدکنندگان تولید را افزایش می دهند، زیرا دستمزدها به اندازه تغییر قیمتها، تغییر نمیکنند که دلیل آن اطلاعات ناقص نیروی کار و توهم نیروی کار می باشد؛ زیرا هر چند قیمتها افزایش یافته ولی از آنجاکه دستمزد رسمی تغییر نکرده است؛ بنابراین حتی با وجود کاهش دستمزد حقیقی، به دلیل توهم پولی، نیروی کار، عرضه نیروی کار خود را کاهش نمی دهد. با افزایش تولید تقاضای برای نیروی کار افزایش مییابد، بنابراین دستمزد رسمی بالا می رود و در نتیجه عرضه نیروی کار افزایش مییابد و تولید ملی افزایش مییابد (Nazari, 2012).

بیکاری ناشی از سیکلها و یا ادوار تجاری می باشد. در دوران رکود که یکی از مراحل سیکل تجاری است تقاضای کل کاهش مییابد، تولید کاهش مییابد و بنابراین کارخانهها، اقدام به اخراج نیروی کار می کنند. برای از بین بردن این نوع بیکاری باید از سیاستهای پولی و مالی انبساطی که به سیاستهای کلان اقتصادی تثبیت معروف است استفاده کرد یعنی با استفاده از این سیاستها، تقاضای کل را افزایش داد، اقتصاد را از رکود خارج ساخت، در نتیجه تولید افزایش مییابد و اشتغال نیز افزایش مییابد.

علت یابی در افزایش عرضه نیروی کار و یا کاهش تقاضای نیروی کار است البته افزایش عرضه نیروی کار در صورتی که بیکاری منجر می شود که تقاضای نیروی کار ثابت باشد و یا کاهش تقاضای نیروی کار در صورتی منجر به بیکاری می شود که عرضه نیروی کار ثابت باشد و یا کاهش تقاضای نیروی کار در صورتی منجر به بیکاری می شود که عرضه نیروی کار ثابت باشد. اگر هم زمان عرضه و تقاضای نیروی کار افزایش یا کاهش یابند، لزوماً بیکاری ایجاد نمی شود؛ بنابراین هر عاملی که باعث افزایش عرضه نیروی کار و یا کاهش تقاضای نیروی کار گردد، می تواند باعث ایجاد بیکاری و یا افزایش بیکاری شود. به عنوان مثال افزایش جمعیت، کاهش دوران تحصیل، افزایش نرخ مشارکت زنان، ورود زود هنگام کودکان به بازار کار، کاهش تولید، استفاده از تکنولوژی سرمایهبر، کاهش سرمایه گذاری... باعث کاهش تقاضای نیروی کار می شود و می تواند بیکاری را تشدید کند. برای درمان بیکاری باید عرضه نیروی کار را کاهش داد و یا تقاضای نیروی کار را افزایش داد (Nazari, 2012).

بیکاری موجب از دست رفتن فرصت های درآمدی برای نیروی کار شده و هزینه های فرصت مشارکت در اعمال مجرمانه را کاهش می دهد که این مسئله می تواند انگیزه ارتکاب جرم و از طریق آن نرخ جرم را در جامعه افزایش دهد (Madah, 2011).

۲-۱-۶. اثر گذاری سیاستهای اقتصادی بر افزایش، کاهش فقر و نابرابری

بر مبنای مطالعات نظری و تجربی انجام شده در حوزه اقتصاد جرم، نابرابری درآمدی یکی از عوامل مؤثر بر جرم است. جرم و جنایت بیشتر در هر منطقه موجب حاکم شدن شرایط نا اطمینان و بی اعتمادی در فضای کسب و کار و فعالیت های اقتصادی آن منطقه خواهد شد که به نتیجه آن انگیزه های سرمایه گذاری و تولید کاهش مییابد بدین ترتیب می توان گفت: وقوع و گسترش جرم تخصیص منابع و امکانات

اقتصادی را نیز با مشکل مواجه می‌سازد که از این طریق بر روند رشد اقتصادی کشور اثر منفی دارد. در ارتباط با علل جرم، اقتصاددانان به بررسی علل اقتصادی جرم پرداختند که از جمله آن به مطالعات و بررسی‌های اریچ، کندی و براش می‌توان اشاره کرد. این محققان رابطه میان نابرابری درآمدی و نرخ جرم را بررسی نموده و نتیجه گرفته‌اند: در مناطقی که نابرابری درآمدی بیشتر است انگیزه اقتصادی قوی‌تری برای ارتکاب انواع جرم وجود دارد.

از نظر بکر تعداد جرم توسط هر شخص تابع احتمال محکومیت، مقدار مجازات در صورت محکومیت و دیگر متغیرها مانند مقدار درآمد ناشی از کار در فعالیت قانونی و فعالیت غیرقانونی می‌باشد.

نابرابری درآمدی به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر نرخ جرم در جامعه مطرح است چراکه انتظار می‌رود افرادی که در گروه‌های پایین درآمدی قرار دارند و زمینه ارتکاب جرم در آن‌ها فراهم است جبران تفاوت درآمدی خود را با انجام اعمال مجرمانه جستجو می‌کنند تا از این طریق فاصله طبقاتی کاهش یابد. در این شرایط، چنانچه درآمد مورد انتظار ناشی از جرم از درآمد گروه‌های کم‌درآمد بیشتر باشد (نابرابری بیشتر) انگیزه ارتکاب جرم قوی‌تر است.

باروت، لاگوس رایت در یک تحلیل نظری اثر نابرابری و بیکاری را بر جرم بررسی کرده‌اند آن‌ها نتیجه می‌گیرند، اثر نابرابری دستمزدها بر میزان ارتکاب جرم توسط افراد قابل استنتاج است به‌نحوی که در بین کارگران شاغل، تنها افرادی که دستمزد کمتر از دستمزد مورد انتظار ناشی از جرم دارند، مرتکب اعمال مجرمانه می‌شوند (Madah, 2011).

گری بکر: اگر مطلوبیت مورد انتظار ناشی از جرم بیشتر از مطلوبیت کار قانونی باشد افراد جرم را بر کار قانونی ترجیح داده و در فعالیت‌های غیرقانونی جرم مشارکت می‌نمایند.

اریچ، چو، مارن و بورگرگان معتقدند در نواحی که نابرابری درآمدی در سطح بالاتری است، انگیزه اقتصادی قوی‌تر برای مشارکت در فعالیت‌های مجرمانه وجود دارد.

اریچ: رابطه مستقیمی و معنی‌داری میان نحوه توزیع درآمد و نرخ جرم در ایالت‌های آمریکا وجود دارد.

ساریدکس: رابطه مثبت و معنی‌داری تنها در کوتاه‌مدت میان نابرابری درآمدی و جرم وجود دارد.

اسکار زانادسرز: رابطه مثبت و معنی‌داری میان ضریب جینی و جرائم مالی وجود دارد (Madah, 2011).

فقر به‌عنوان یکی از علل مؤثر بر جرم مطرح است. افراد فقیر قادر به تأمین نیازهای اساسی خود مانند غذا، پوشاک و مسکن نیستند که این مسئله می‌تواند انگیزه ارتکاب جرم را در افراد قانون‌گریز تقویت نماید. فقیر از طریق جرائمی مانند دزدی، قاچاق و... به دنبال جبران کمبودهای درآمدی و ارتقاء وضعیت معیشتی خود است. فیشر معتقد است که رابطه مستقیمی میان سطح درآمد و فقر وجود دارد. در افراد با درآمد پایین (فقیر) انگیزه ارتکاب جرم بیشتر است چراکه برای فقرا هزینه فرصت زمان مجازات پایین است که این مسئله زمینه ارتکاب جرم را در آنان مهیا می‌سازد.

چنانچه سیاست‌های اقتصادی دولت منجر به برقراری شرایط ثبات اقتصادی گردد، ضمن افزایش رشد اقتصادی و بهبود وضعیت رفاه اجتماعی، زمینه ارتکاب انواع جرائم نیز کاهش خواهد یافت اتخاذ سیاست‌های توزیعی مناسب جهت کاهش نابرابری در سطح استان‌های کشور کاهش هزینه سیاست‌های اقتصادی به شکل بیکاری، نابرابری و فقر از طریق اتخاذ سیاست‌های اقتصادی کارآمد فراهم‌سازی شرایط

مناسب جهت توسعه فرصت شغلی، رشد واقعی، تولید از طریق حاکمیت اصول رقابتی در فضای کسب و کار و کاهش انحصارات دولتی، حذف مقررات دست و پاگیر در امور تولیدی و تجاری (Madah, 2011).

در علت-شناسی پدیده قاچاق فقر هم علت و هم معلول شناخته می-شود چراکه گروهی از افراد به دلیل بیکاری و فقر، به این جرم سودآور روی آورده و از پیامدهای این عمل، سرمایه-گذاری مولد از مسیر خود منحرف شده و تولیدات و درآمد ملی کاهش پیدا می-کند (Saeedi, 2017).

فقر و بیکاری به دلیل سود آور بودن قاچاق، انگیزه و اشتیاق سرمایه گذاری برای سرمایه گذار در امور تولیدی کاهش می یابد زیرا قاچاق در فرصت کوتاه سود سرشاری را نصیب قاچاقچی می کنند که با سود حاصل از سرمایه گذاری مولد بسیار متفاوت است (Mohseni, 2010). افزایش حجم سرمایه گذاریهای داخلی با تامین امنیت اقتصادی رابطه ای مستقیم دارد و برای اینکه سرمایه های کشور به محیطهای خارجی جذب نشود یا اصطلاحاً فرار نکنند باید محیط مطلوب تر و بهتر داخلی فراهم گردد (Heidari, 2017).

۲-۱-۷. بند هفتم: تأثیر سیاست های اقتصادی ایران به افزایش یا کاهش عوارض و تعرفه های گمرکی و مالیات

تسهیل واردات رسمی تأثیر مثبت و معناداری بر پیشگیری از ورود کالای قاچاق به کشور دارد. در صورت کمی سازی تسهیل واردات و پیشگیری از ورود کالای قاچاق، به ازای هر یک واحد افزایش در تسهیل تجارت، ۰/۴۵۶ در واردات کالای قاچاق پیشگیری می-شود؛ به عبارت دیگر تسهیل تجارت تأثیر مثبت و مستقیم بر پیشگیری از ورود کالای قاچاق به کشور دارد.

کاهش هزینه واردات رسمی در تسهیل تجارت و پیگیری از ورود کالای قاچاق تأثیر بسزای دارد. به ازای هر واحد کاهش در هزینه واردات باعث افزایش در تسهیل تجارت به اندازه ۰/۳۶ می-شود و از طرفی این میزان افزایش در تسهیل تجارت باعث می-شود به اندازه ۰/۱۶ در واردات کالای قاچاق پیشگیری شود (Zarei & Manteghi, 2019).

اقتصاد زیرزمینی به شیوه ای متقارن نسب به افزایش و کاهش مالیات های مستقیم واکنش نشان می-دهد، اما چنین نتیجه ای درباره مالیات های غیرمستقیم صادق نیست وجود واکنش متقارن اقتصاد زیرزمینی به تغییرات مالیات های مستقیم به این معنی است که بنگاه ها در ایران سرعت مشابهی را در فرار از مالیات های مستقیم هنگام افزایش آن ها و ورود به اقتصاد رسمی هنگام کاهش این مالیات ها از خود نشان می-دهند.

انجام فعالیت های اقتصادی که بر اساس قوانین و مقررات ممنوع اعلام شده اند، فرار از پرداخت مالیات، عوارض گمرکی، هزینه های تأمین اجتماعی و سایر مطالبات دولتی، مخفی ماندن از کنترل های رعایت قیمت، سهمیه بندی، استانداردها و... انگیزه اصلی برای انجام چنین پنهان کاری است. به علاوه این پدیده با دامنه متنوعی از موضوعات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مرتبط است که از آن جمله می-توان به فرار مالیاتی، شکاف مالیاتی، کسر بودجه، تداوم فقر، بیکاری، مهاجرت از روستا به شهر، توزیع درآمد، رشد و توسعه، رفاه، پول شویی، فساد اقتصادی، سطح محدودیت های قانونی حاکم بر فعالیت های اقتصادی و سیستم حسابداری ملی و چگونگی عملکرد آن اشاره کرد (Abrishami et al., 2007).

اقتصاددانان ارتباط میان نرخ های مالیات و میزان فرار مالیاتی یا اندازه اقتصاد زیرزمینی را اثبات کرده اند. اعتقاد عمومی بر این است که نرخ های بالای مالیات، از دلایل اصلی تقویت و رشد اقتصاد زیرزمینی اند (Schneider, 2005).

از یک‌سو، نرخ‌های بالاتر مالیات موجب قوی‌تر کردن انگیزه ورود به اقتصاد زیرزمینی و فرار مالیاتی می‌شوند و از سوی دیگر، سطوح بالای فعالیت اقتصادی زیرزمینی افزایش فشار هزینه‌های دولت و پرداخت‌های انتقالی را سبب می‌شوند و برای افزایش درآمد دولت، به نرخ‌های بالای مالیات نیاز است. سطوح بالاتر مالیات سبب انگیزه بیشتر ورود به فعالیت‌های اقتصاد زیرزمینی و فرار مالیاتی است، اما به‌رحال تضمینی وجود ندارد که تغییرات مالیات اثری متقارن بر فعالیت‌های اقتصادی زیرزمینی داشته باشد. از این‌رو درحالی‌که بنگاه‌ها برای گریز از بار مالیاتی افزایش یافته، به بخش زیرزمینی حرکت می‌کنند، ممکن است کاهش نرخ‌های مالیات (در صورتی‌که این بنگاه‌ها کشف نشوند) تأثیر کمی بر فعالیت‌های اقتصاد زیرزمینی داشته باشد ارتباط نظری و تجربی میان اقتصاد زیرزمینی و نرخ‌های مالیاتی و این‌که چرا افراد و بنگاه‌ها به فعالیت‌های زیرزمینی می‌پردازند را می‌توان از دو دیدگاه خُرد و کلان اقتصاد موردبررسی قرار داد.

الف: دیدگاه خُرد اقتصاد در مورد تأثیرات مالیات بر اقتصاد زیر زمینی

در چارچوب فرایند تصمیم‌گیری عقلانی، افراد و بنگاه‌ها منافع مورد انتظار را از فعالیت‌های غیرقانونی را با هزینه‌های مورد انتظار مقایسه کرده و منافع خالص آن را با منافع حضور در فعالیت‌های قانونی مقایسه می‌کنند در حالت فزونی اولی، مشارکت در تولید پنهان انتخاب می‌شود.

نخستین تجزیه و تحلیل فرار از مالیات توسط الینگام رسندمو در سال ۱۹۷۲ انجام شد.

ب: دیدگاه کلان اقتصاد در مورد تأثیر مالیات بر اقتصاد زیر زمینی

پژوهش‌های با رهیافت کلان، بیشتر تلاش داشته‌اند تا رابطه بین متغیرهای کلان (در شرایط حضور دولت در عرصه اقتصاد) را با روند اقتصاد زیرزمینی، بررسی کنند هافون، در مطالعه نظری خود، آثار بخش غیررسمی را با نرخ بهینه مالیاتی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. تانزی مالیات‌ها و محدودیت‌ها را دو عامل اصلی ایجاد اقتصاد زیرزمینی می‌داند و بر تأثیر قابل توجه وضع مالیات‌های خاص در هر کشور در گسترش این پدیده تأکید می‌کند (Abrishami et al., 2007).

فری و وک هانمان ۱۹۸۴ و ۱۹۸۳ بار تحمیل شده توسط بخش دولتی بر افراد (شامل بار مالیاتی و بار قانون‌گذاری یا اعمال محدودیت‌های قانونی، بیکاری و سطح توسعه یافتگی پایین‌تر را به‌عنوان عوامل پیدایش اقتصاد پنهان برشمرده و به این فهرست فرهنگ مالیاتی را می‌افزاید. گیلز، تدر و ورکینه علل عمده پیدایش فعالیت زیرزمینی و فرار مالیاتی را، بارهای مالیاتی بالا و فزاینده، تورم و کاهش استانداردهای اخلاقی ذکر می‌کنند.

آشنايدر (۲۰۰۰) در بررسی عوامل مؤثر بر اقتصاد سایه‌ای به بار مالیاتی مستقیم و غیرمستقیم و مقررات دولتی، به‌عنوان علل اقتصادی و اخلاق مالیاتی و میزان گرایش مردم به دولت، به‌عنوان علل غیراقتصادی اشاره می‌کند.

آشنايدر و انست عوامل مؤثر بر اقتصاد سایه‌ای را شامل بار مالیاتی، بار تأمین اجتماعی، شدت و چگونگی اجرای مقررات، پرداخت‌های اجتماعی (نظیر حمایت‌های درآمدی، بیمه بیکاری و...) عوامل بازار کار (نظیر کاهش در ساعات کار، نرخ بیکاری) و عوامل مربوط به خدمات بخش دولتی (نظیر کارآیی دولت و کیفیت بروکراسی، فساد و...) می‌دانند (Schneider, 2005).

جانگ و دیگران اثر افزایش مالیات بر رشد مشارکت در فعالیت‌های زیرزمینی را بررسی کرد و نشان داده‌اند که چنین اثری وجود دارد مشروط به آنکه ترجیحات افراد ریسک‌پذیر باشد.

نتیجه‌گیری

قریب به اتفاق صاحب‌نظران و متولیان مبارزه با قاچاق کالا و ارز با مجرمانه تلقی کردن قاچاق و تشدید مجازات مرتکبین این جرائم و انجام تدابیر امنیتی و پیشگیری وضعی مثل دیوارکشی، فنس کشی نوار مرزی و افزایش پاسگاه‌های مرزی و... سعی در کنترل قاچاق و کالا و ارز داشته‌اند و از علت‌یابی این جرائم غافل بوده‌اند. تحقیقات صورت گرفته و تحلیل و تجزیه این مطالعات بیانگر این مهم است که علت اصلی جرائم قاچاق کالا و ارز در کشور ایران متغیرهای اقتصادی حوزه سیاست‌های مالی و پولی بررسی شده می‌باشند و هرکدام از سیاست‌های اتخاذی پولی و مالی کشور در افزایش و کاهش قاچاق کالا و ارز تأثیر بسزایی دارند. صرف نظر از اینکه متغیرهای اقتصادی تحت بررسی در افزایش و کاهش قاچاق کالا و ارز در کشور عراق تأثیر گذار هستند مهمترین علتی که بر قاچاق کالا از داخل کشور به خارج کشور مطرح می‌باشد مرتبط به مساله یارانه هاست پایین بودن قیمت برخی کالاهای اساسی و عمومی در کشور به علت برخورداری از یارانه و وجود اختلاف بین قیمت کالا در بازار داخلی و خارجی به ویژه عراق بازار وسیعی برای کالای قاچاق ایرانی باز کرده است قیمت بعضی از کالاهای اساسی مثل بنزین، گازوئیل، آرد، دارو، پودرهای شوینده و... به علت اختصاص یارانه از طرف دولت به آن‌ها در داخل کشور به مراتب پایین تر از بازارهای کشورهای همسایه است. نرخ مالیات بر واردات، ریسک قاچاق کالا و درآمد سرانه پایین از عوامل موثر بر نرخ قاچاق کالا می‌باشند. بودجه عمومی دولت ابزاری برای ایجاد تعادل اقتصادی است سیاست‌های مالی در بودجه می‌تواند به ایجاد تعادل در بازار کار (اشتغال) کمک کند. بیکاری که از سیاست‌های اتخاذی دولت می‌باشد باعث به جریان انداختن نیروی کار به ویژه افراد جوان و تحصیلکرده به سمت مشاغل کاذب و مخرب همچون قاچاق می‌باشد سیاست‌های پولی انبساطی و شوک‌های پولی به سطح تولید اثرگذار می‌باشند به طوری که هم زمان با شوک‌های پولی انقباضی و عدم تعدیل در دستمزدها و قیمت‌ها شاهد کاهش در تولید می‌باشیم شوک‌های پولی منفی تأثیر بیشتر و معنی‌دارتری بر تولید نسبت به شوک مثبت دارند؛ بنابراین می‌توان بیان کرد که تولیدکنندگان در مقابل سیاست‌های پولی مثبت که منجر به افزایش در سطح عمومی قیمت‌ها می‌شود به سرعت قیمت‌های خود را تعدیل می‌کند ولی در مقابل سیاست‌های پولی انقباضی و تغییرات منفی تقاضای کل که منجر به کاهش سطح قیمت‌ها می‌شود قیمت محصولات خود را کاهش نمی‌دهند. این عامل سبب می‌شود که شوک‌های منفی تقاضای کل سبب ایجاد تغییرات در سطح تولید کل اقتصاد شود.

پیشنهادات

سیاست‌گذاران پولی باید در جهت کاهش تورم از سیاست‌های که به ایجاد شوک‌های منفی پولی در ابعاد کوچک منجر می‌شود پرهیز کنند. چراکه اثرات منفی چنین سیاست‌های بر رشد تولید قابل توجه است در واقع در کشور ما به دلیل بالا بودن نرخ تورم و تعدیل زوده‌زود قیمت‌ها توصیه می‌شود که از انبساط‌های بی‌مورد پولی جلوگیری شود.

با توجه به اینکه سیاست‌های پولی انبساطی باعث افزایش حجم پول و کاهش نرخ بهره و افزایش تقاضای کل شده و وسیله ای برای نیل به اشتغال کامل است و سیاست‌های پولی انقباضی بمنظور مقابله با تورم اتخاذ می‌شوند و منجر به کاهش حجم پول می‌شود پیشنهاد می‌گردد که دولت با استفاده از صاحب‌نظران حوزه اقتصادی نسبت به اتخاذ سیاست مناسب اقدام نمایند.

هدفمند کردن یارانه‌ها و و انتخاب یارانه مستقیم باعث کاهش قیمت ناشی از پرداخت یارانه می‌گردد و کاهش قاچاق را به همراه دارد. برای کاهش قاچاق سوخت روش تبدیل تدریجی یارانه غیرمستقیم به مستقیم پیشنهاد می‌شود؛ چون افزایش نرخ تورم در حالت نسبت به روش تبدیل یک‌باره یارانه غیرمستقیم به مستقیم کمتر است با توجه به شکل و الگوی ترسیمی قاچاق انرژی در حالت تبدیل تدریجی یارانه

غیرمستقیم به مستقیم از ۱.۱۰۰.۰۰۰ لیتر در سال شروع و پس از ۲۵ الی ۳۰ سال به صفر می‌رسد در صورتی‌که در روش تبدیل یک‌باره یارانه غیرمستقیم به مستقیم، قاچاق انرژی از ۱.۱۰۰.۰۰۰ لیتر در سال شروع شده و پیش از تقریباً ۵ سال به صفر می‌رسد به این ترتیب از نظر شاخص قاچاق انرژی روش تبدیل یک‌باره نسبت به حالت تدریجی بهتر است و اگر سرعت تغییر قیمت افزایش یابد، قاچاق سریع‌تر از ۲۵ الی ۳۰ سال حذف می‌شود.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

The prevalence of goods and currency smuggling has become a pressing concern for countries worldwide. This activity, often resulting from a nexus of economic, social, and political variables, underscores the multifaceted nature of smuggling. While law enforcement approaches traditionally emphasize punitive measures, recent research highlights the significant influence of economic policies in shaping the dynamics of smuggling activities. This extended abstract delves into the interrelation of monetary and fiscal policies with goods and currency smuggling in Iran, illuminating critical economic variables such as inflation, unemployment, and liquidity.

Economic systems profoundly influence societal structures and behaviors. For Iran, economic instability, marked by fluctuating inflation rates and unbalanced fiscal policies, serves as both a precursor and amplifier of smuggling. Studies indicate that systemic issues like income inequality and unemployment create fertile grounds for illicit activities (Egert & Zumaquero, 2005). For instance, inflation diminishes purchasing power, encouraging citizens to resort to smuggling for cheaper goods, while economic downturns incentivize individuals to engage in these illegal ventures for sustenance. Effective fiscal policies—such as structured taxation and equitable income distribution—are critical to mitigating these tendencies (Arya, 2013).

The role of fiscal policies, encompassing taxation and government expenditure, cannot be overstated in their impact on smuggling trends. Policies that exacerbate income inequality or impose prohibitive taxes inadvertently push businesses and individuals toward underground economies. Research illustrates that high import tariffs on goods like fuel and agricultural products lead to their smuggling into countries with higher profit margins, such as Iraq. Conversely, well-calibrated fiscal policies that balance revenue generation with economic equity can significantly deter these illegal practices (Arya, 2013; Shafiei, 2017). Moreover, targeted subsidies and financial incentives can redirect smuggling-prone groups towards lawful economic activities, thus reducing their reliance on illicit trade.

Monetary policies play a pivotal role in regulating liquidity and currency stability. In Iran, policy missteps such as excessive money supply and inadequate control over credit facilities have historically fueled inflation and economic inefficiencies. Such conditions amplify smuggling, particularly currency-related crimes, as citizens seek stable financial instruments abroad (Schneider,

2005). A significant body of evidence underscores the need for the Central Bank of Iran to adopt contractionary monetary policies during inflationary spikes, curbing liquidity and stabilizing the rial's value. However, the simultaneous implementation of supportive policies to ensure employment and production remains essential to avoid socio-economic discontent.

Unemployment and poverty are pivotal contributors to smuggling in Iran. High levels of unemployment, especially among the youth, lower the opportunity cost of engaging in illegal activities. Research demonstrates a robust correlation between economic deprivation and crime rates, where individuals from marginalized groups often resort to smuggling as a survival strategy (Arya, 2013). Effective employment policies, alongside vocational training programs, can equip individuals with marketable skills, fostering economic inclusion and reducing smuggling incentives. Furthermore, job creation initiatives tailored to border regions notorious for smuggling activities could yield significant reductions in these crimes.

In an era of globalization, Iran's trade policies must navigate complex international pressures. Cross-border smuggling thrives on disparities in trade tariffs and currency exchange rates between Iran and its neighbors. For example, Iraq's lower tariffs on essential goods provide lucrative opportunities for Iranian smugglers to exploit (Arya, 2013; Schneider, 2005; Shafiei, 2017). Trade agreements emphasizing regional cooperation, harmonized tariffs, and regulated border transactions can mitigate smuggling. Furthermore, adopting blockchain and AI technologies to monitor and streamline customs operations could enhance transparency and accountability.

Addressing smuggling in Iran requires a multidimensional approach. Policymakers should focus on stabilizing macroeconomic indicators, such as inflation and unemployment, to address the root causes of smuggling. A gradual transition from indirect to direct subsidies, coupled with targeted financial aid for low-income households, can alleviate the economic pressures driving these activities (Arya, 2013; Shafiei, 2017). Additionally, fostering public-private partnerships for border management and utilizing advanced surveillance technologies can deter smuggling attempts. Lastly, regional collaborations to establish equitable trade frameworks and mutual monitoring systems are imperative for long-term solutions to this pervasive issue.

In conclusion, the interplay between economic policies and smuggling in Iran illustrates the critical need for comprehensive and inclusive policy frameworks. By addressing structural inequities and leveraging technological innovations, Iran can significantly curtail smuggling activities, thereby fostering sustainable economic growth and societal well-being.

References

- Abou Zeid, S. (2018). *Iran and the Arab East*. Enlightening Islamic Thought.
- Abrishami, H., Mehrara, M., & Heibati, N. (2007). An Examination of the Symmetrical Reactions of the Underground Economy to Tax Changes. *Economic Research Journal*(79).
- Al-Eshagh, Y. (2012). *Strategic Trade Guide with a Focus on Development and Security in Iran*. Supreme National Defense University.
- Amiri, H., & Pirdadeh Beiravand, M. (2019). Journal of Financial Knowledge: Analysis of Securities. 12(44).
- Arya, K. (2013). *International Finance Lecture Notes*. Islamic Azad University.
- Asadi, S. H. (2011). *Transnational Organized Crimes*. Mizan Legal Foundation.
- Daneshfar, J., Gheyoun Zadeh, M., & Attarzadeh, S. (2020). Smuggling of Goods and Currency, Its Social Impacts, and the Role of the Government Punishment Organization in Combating and Preventing It. *Iranian Political Sociology Quarterly*, 3(1).
- Egert, B., & Zumaquero, A. M. (2005). Exchange Rate Regimes, Foreign Exchange Volatility and Export Performance in Central and Eastern Europe. *Review of Development Economics*.
- Elmi, Z. (2004). Macroeconomic Policies and the Women's Labor Market in Iran. *Women's Studies Quarterly*, 2.
- Ghaderi, S. F., Razmi, J., & Sediqi, A. (2005). The Impact of Direct Energy Subsidies on Macroeconomic Indicators: A Systemic Perspective. *Tehran University Faculty of Engineering Journal*, 39(4), 527-537.

- Hadian, E., & Heydarpoor, A. (1999). *Economic Development and Women's Participation in the Labor Force*. Management and Planning Organization.
- Heidari, K. (2017). An Examination of Cultural, Social, and Economic Damages of Goods and Currency Smuggling. *Danesh Nezam*, 15.
- Javadi Arjmand, M. J. (2010). *Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran*. Mizan Legal Foundation.
- Kalantari, F. (2019). *Geopolitical Factors Influencing Iran's Defensive Strategy Against the U.S. from the Territorial Origin of Iraq*. National Defense University and Strategic Studies Research Institute.
- Kamiarji, A., & Bayat, S. (2014). Non-Linear Effects of Inflation on Economic Growth in Iran Using Threshold Method. *Economic Studies and Policies Quarterly*, 1(1).
- Kamiarji, A., Sobhaniyan, S. M. H., & Bayat, S. (2012). Asymmetric Effects of Oil Revenue Growth on Inflation in Iran Using VECM. *Danesh Nezam*, 12(45).
- Karami Pour, A. (2014). *Crime Prevention in the Security Cooperation Agreements of the Islamic Republic of Iran*. Majd Publications.
- Khalili Araki, M., & Goudarzi Farahani, Y. (2013). Asymmetric Effects of Monetary Policy and Economic Fluctuations in Iran. *Economic Studies and Policies Journal*, 9(2).
- Kordbacheh, M. (2018). *Budgeting and Fiscal Policy Regulation*. Higher Education and Research Institute of Management and Planning.
- Madah, M. (2011). The Relationship Between Income Inequality and Crime Rates in Iran. *Economic Studies and Policies Quarterly*, 7.
- Mohseni, M. (2010). *Sociology of Deviations*. Tahoori.
- Naghdi, G. (2013). *Commentary on the Law Against Goods and Currency Smuggling*.
- Nazari, H. (2012). *Macroeconomics*. Negah Danesh Publications.
- Niyazpour, A. H. (2018). *Criminal Policy Against Economic Crime*. Mizan Legal Foundation.
- Saeedi, S. (2017). An Analysis of Factors Influencing Goods Smuggling in Border Regions. *Hidden Economy Journal*, 1, 40-50.
- Schneider, F. (2005). Shadow Economies Around the World: What Do We Really Know? *European Journal of Political Economy*, 21, 598-642. <https://doi.org/10.1016/j.ejpoleco.2004.10.002>
- Shafiei, A. (2017). *Fiscal and Monetary Policies*. Institute for Business Studies and Research.
- Vaez, N. (2015). The Impact of Pilgrimage Trips on Regional Policy and Iran-Iraq Relations. *Shiite Studies Quarterly*, 5, 111-220.
- Yavari, K., Rezagholizadeh, M., & Aghaei, M. (2011). Economic Growth in Resource-Dependent Countries (Focusing on Oil Resources). *Economic Research Quarterly*, 11(2).
- Zarei, E., & Manteghi, N. (2019). The Impact of Facilitating Official Imports on Preventing Smuggled Goods Using the World Bank Model. *Hidden Economy Quarterly*, 4(19).